



شورای راهبردی  
روابط خارجی

## احتمال نزدیک تر شدن زمان دستری به معاهده صلح ایران-باکو؟

امیدهای گذشته برای به رسیدن به یک توافق صلح میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان راه به جایی نبرد. در اواخر سال ۲۰۲۳ و در پی تصرف کامل منطقه ناگورنو قره‌باغ توسط جمهوری آذربایجان برخی باور داشتند که این توافق تاریخی بسیار نزدیک شده است اما چنین چیزی محقق نشد. با این حال به نظر می‌رسد که رئیس کلی یک توافق احتمالی در حال شکل‌گیری است. در سال‌های اخیر اغلب ادعاهایی درباره قریب‌الوقوع بودن یک توافق تاریخی مطرح می‌شد. در تازه‌ترین موقعیت‌ها، خوش‌بینی بالا گرفت. ارمنستان و جمهوری آذربایجان حتی بیانه‌ای مشترک منتشر کردند که تاریخی و بی‌سابقه توصیف شد اما مذاکرات درباره تملیحات ارضی و تبادل آسرایه دستاوردی اساسی منجر نشد. به نظر می‌رسد که یک ژست مبتنی بر حسن‌نیت از جانب دو طرف نتایج ملموس معدودی به دست دهد: ارمنستان از نازمی برای میزبانی نشست بعدی کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل (COP۲۹) عقب‌نشینی و جمهوری آذربایجان از الحاق ارمنستان به گروه کشورهای اروپای شرقی کاپ حمایت کرد. امیدهایی به نشست وزیران امور خارجه ارمنستان و جمهوری آذربایجان که برای ماه ژانویه برنامه‌ریزی شده بود، وجود داشت اما مشخص شد که این دیدار انجام نخواهد گرفت. در واقع جمهوری آذربایجان می‌کوشد با پذیرفتن پیشنهادات میانجی‌گری کشورهای ثالث بر استقلال حاکمیت در این درگیری تأکید کند. در عین حال میان باکو و پاریس، و باکو و واشنگتن جو نامساعدی ایجاد شده است. در هر صورت رسیدن به یک توافق صلح میان دو طرف همچنان ممکن است و نباید آن را دست‌کم گرفت. به احتمال زیاد هرگونه توافقی که حاصل شود، نیازمند مذاکرات بیشتر در سال‌های پیش رو خواهد بود. در پی تصرف نظامی ناگورنو-قره‌باغ توسط باکو و فرار آرمی‌ها از این منطقه، مهم‌ترین مناقشات به مناطق تحت کنترل، خطوط حمل و نقل و تعیین حدود مرزها مرتبط بوده است. اگر چه هنوز هم شفافیت اندکی درباره این مسائل وجود دارد اما دو طرف در نهایت برخی مسائل آشکار را با صدای بلند اعلام کرده‌اند. علاوه بر همه این موارد، باکو و ایروان پذیرفته‌اند که تعیین حدود مرز مشترک باید بعد از انعقاد معاهده صلح انجام گیرد. این پذیرش مسیر رسیدن به یک معاهده راه‌موار می‌کند زیرا تصویب این مرز که از میان رسته‌کوه‌ها می‌گذرد، به سال‌ها زمان نیازمند است. ارمنستان تمایل دارد از نقشه‌های نظامی دهه ۱۹۷۰ به عنوان مبنای یک توافق مرزی استفاده کند، در حالی که باکو از کارشناسی می‌خواهد که وضعیت کنونی مرزها را ارزیابی و از آن به عنوان مبنای برای یک راه‌حل دائمی استفاده کنند. رویکرد باکو به این معناست که جمهوری آذربایجان مواضع راهبردی زیادی دارد. علاوه بر این، رئیس‌جمهور الهام علی‌اف گفته است که ارتش جمهوری آذربایجان از مواضعی که در جریان مناقشه ماه مه ۲۰۲۱ و سپتامبر ۲۰۲۲ به تصرف خود درآورده است، حتی اگر در خاک ارمنستان باشد، عقب‌نشینی نخواهد کرد. با این حال، بررسی مرزها بدون ارجاع به نقشه‌های قدیمی اقدامی کاملاً غیرسازنده نیست. اگر دو طرف آماده تبادل ارضی و دادن برخی امتیازات باشند، اوضاع می‌تواند بهبود یابد. اما تجربه نشان می‌دهد که این امر بعید است: در عوض جمهوری آذربایجان قوی‌تر در صدد به گوشه راندن ارمنستان بر خواهد آمد. به همین ترتیب، اگر ارمنستان و جمهوری آذربایجان آماده کنار گذاشتن محدودیت‌های مرزی برای زمانی دیرتر نباشند، شانس اعضای یک معاهده صلح تقریباً هیچ است. مسئله دیگری که به نظر می‌رسد هر دو طرف در مورد آن هم‌گرایی دارند، کریدورهای حمل و نقل است. جمهوری آذربایجان با اعلام اینکه جاده‌ای را از طریق ایران و نه ارمنستان، به سمت نخجوان می‌سازد، امتیاز قابل توجهی داده است. علی‌اف تنها به‌طور علنی اعلام کرده که ساخت جاده از طریق ایران در دست انجام است بلکه تقاضای خود را از ادای رها کردن مسیر ارمنستان که به کریدور زنگور معروف است نیز اعلام کرده: جمهوری آذربایجان مرز خود را با ارمنستان باز نخواهد کرد. حتی احتمال صرف‌نظر جمهوری آذربایجان از ادعای خود در کریدور زنگور تحولی مثبت است. در سال ۲۰۲۱ علی‌اف تهدید کرده بود که با توسل به نیروی نظامی این کار را انجام خواهد داد. در تحلیل نهایی، این جمهوری آذربایجان است که قدرت بیشتری برای ایجاد یک توافق صلح دارد. تصمیمی که باکو با آن روبه‌روست یا اعضای یک توافق است که جایگاه جهانی اش را تقویت کند؛ یا اینکه مذاکرات و این روند را تضعیف کند تا در نهایت دلیلی برای افزایش اقدامات نظامی در آینده داشته باشد. اینکه باکو کدام مسیر را انتخاب کند تا حد زیادی به شرایط بیرونی بستگی خواهد داشت.



نگاه  
تحلیلی  
۱



هلال خشان

استاد روابط بین‌الملل  
دانشگاه بیروت

**مشارکت عربستان سعودی در مذاکرات عادی‌سازی روابط با اسرائیل، نه لزوماً نتیجه فشار آمریکا بلکه ناشی از تمایل واقعی عربستان برای عادی‌سازی روابط عربستان حقیقتاً با اسرائیل است. تمایل دارد بزرگترین مشکلات منطقه را حل کند و از نظر ریاض این مسیر از مسئله فلسطین شروع می‌شود**

داگان، رئیس موساد بود. این مذاکرات نشان دهنده پیشرفت در روابط دو جانبه میان ریاض و تل‌آویو بود چرا که بعد از این مذاکرات بود که یک پروژه منطقه‌ای علیه ایران و شیعیان عرب آغاز شد. در سال ۲۰۱۰، داگان به عربستان سعودی سفر کرد و این نخستین بار بود که یک مقام اسرائیلی با به خاک پادشاهی سعودی می‌گذاشت. در سال ۲۰۱۴، بنیامین نتانیاهو نیز با بندر دیدار کرد و در سال ۲۰۲۰، او یوسسی کوهن، رئیس وقت موساد، برای دیدار با ولیعهد عربستان، محمد بن سلمان، راهی ریاض شدند. در سال ۲۰۱۹، اسرائیل یک عملیات محرمانه را با مشارکت عربستان سعودی بر اساس اطلاعات ارائه‌شده توسط موساد هماهنگ کرد که منجر به دستگیری ده‌هاتن از اعضای حماس در خاک پادشاهی عربستان شد. این افراد به اتهام مشارکت در فعالیت‌های تروریستی دستگیر شدند. یک دادگاه عربستان سعودی برای آنها حبس‌های طولانی مدت صادر کرد و همین امر باعث قطع رابطه ۳۰ ساله بین ریاض و حماس شد؛ رابطه‌ای که طی آن حماس کمک‌های مالی سخاوتمندانه‌ای از عربستان دریافت می‌کرد.

### موضوع عربستان سعودی

مشارکت عربستان سعودی در مذاکرات عادی‌سازی روابط با اسرائیل، نه لزوماً نتیجه فشار آمریکا بلکه ناشی از تمایل واقعی عربستان برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل است. عربستان حقیقتاً

### ریشه‌های روابط عربستان و اسرائیل

حتی قبل از ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸، اسرائیل و عربستان سعودی روابط پنهانی دو جانبه‌ای را داشتند که بخشی از آن تبادل اطلاعات میان یکدیگر بود. در سال ۱۹۴۸، نشست بیروت بین یکی از مقامات آژانس یهود و مدیرکل وزارت خارجه عربستان سعودی برگزار شد و زمینه‌ها برای ملاقات بین وزیر خارجه عربستان و دیوید بن‌گوریون، رئیس آژانس یهود که بعدها اولین نخست‌وزیر اسرائیل شد، هموار کرد. پادشاهی سعودی در جنگ‌های کشورهای عربی و اسرائیل به‌طور جدی مشارکت نکرد و تنها نیروی کوچکی را برای جنگیدن در کنار ارتش مصر در جنگ سال ۱۹۴۸ و ارتش سوریه در جنگ سال ۱۹۷۳ اعزام کرد.

ملک عبدالعزیز پایه‌های سیاست خارجی عملگرایی عربستان سعودی را بنا نهاد و آن را از دکتین‌های ایدئولوژیک رها کرد. او در ابتدا با طرح تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۷ مخالفت کرد اما در نهایت با آن موافقت کرد. او می‌ترسید که عبدالله اول، پادشاه اردن در صورت کنترل بخش عربی فلسطین، نفوذ خود را در جهان عرب گسترش دهد. خصومت بین عربستان سعودی و مصر پس از کودتای جمهوری خواهان در سال ۱۹۶۲ در یمن و فرار امام محمدالبدر به کوه‌های صده برای رهبری یک ضدحمله سلطنتی علیه نیروهای مصری به اوج خود رسید. رهبران سعودی به‌طور مخفیانه از هواپیماهای اسرائیلی که بر فراز حریم هوایی عربستان پرواز می‌کردند تا مهمات را به سلطنت‌طلبان تحویل دهند، استقبال کردند. عربستان سعودی پس از جنگ سال ۱۹۶۷ حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت. یازدهم آدولف دو روچیلد، از حامیان سرسخت صهیونیسم، در پاریس با عدنان خاشقچی، تاجر سعودی، که از نزدیکان خاندان سلطنتی سعودی بود، ملاقات کرد تا ملاقاتی با ملک فیصل ترتیب دهد. در دهه ۱۹۷۰ میلادی، خاشقچی تماس‌های محرمانه‌ای با اسرائیلی‌ها داشت؛ از جمله دیوید کیمچی، معاون رئیس موساد، که اطلاعاتی را درباره طرح‌های مختلف برای تضعیف رژیم سعودی به او منتقل می‌کرد.

در سال ۲۰۰۶، پس از جنگ اسرائیل و حزب‌الله، مذاکرات محرمانه‌ای بین سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها انجام شد. این مذاکرات بار برای مقابله با دو دشمن مشترک، یعنی ایران و حزب‌الله بود. این مذاکرات شامل دیداری بین شاهزاده بندر، رئیس وقت شورای امنیت ملی عربستان و ایهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، با هم‌راهی مئیر

نگاه  
تحلیلی  
۲

## ناکامی ارتش پاکستان در یک‌دست کردن قدرت

قدرت ارتش پاکستان تضعیف شده اما برقراری دموکراسی در پاکستان نیز دور از ذهن به نظر می‌رسد



کامران بخاری

کارشناس ارشد جنوب آسیا

می‌گویند برای هر تحولی نقطه‌شروعی وجود دارد و نقطه‌شروع برای پاکستان، هشتم فوریه رخ داد؛ روزی که ساختار نظامی این کشور نتوانست نتیجه‌ای که مدنظرش بود را از انتخابات پارلمانی پاکستان به‌دست آورد. حزب تحریک انصاف پاکستان، به ریاست عمران خان، نخست‌وزیر سابق پاکستان، به‌رغم هم‌فشارهایی که متحمل شد، بیشترین کرسی‌ها (۹۳ کرسی از مجموع ۲۶۶ کرسی) را به‌دست آورد، در حالی که حزب مسلم‌لیگ پاکستان که از حمایت نظامیان برخوردار است، تنها ۷۵ کرسی را به دست آورد. در مقام سوم، حزب مردم پاکستان با ۵۴ کرسی

قرار گرفت. حزب مردم پاکستان گفته است که اگر چه به کابینه نمی‌پیوندد، اما از دولت مسلم لیگ حمایت خواهد کرد و انتظار می‌رود که رئیس‌جمهور سابق، آصف‌علی زرداری، بار دیگر به ریاست جمهوری بازگردد. با این حال هیچ‌یک از این تحولات برای ثبات پاکستان مفید نخواهد بود. قدرت ارتش پاکستان ممکن است رویه افول باشد، اما بازنگران غیرنظامی نیز ضعیف و عمیقاً دچار شکاف شده‌اند و به همین دلیل بعید است که بتوانند پاکستان را از باتلاق سیاسی و اقتصادی که درگیرش است، خارج کنند. پاکستان برای مدت ۳۳ سال از تاریخ ۷۶ ساله خود را ذیل حکومت چهار رژیم نظامی به رهبری فیلد مارشال ایوب خان (۱۹۵۸ تا ۱۹۶۹)، ژنرال یحیی خان (۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱)، ژنرال محمد ضیاءالحق (۱۹۷۷ تا ۱۹۸۸) و ژنرال پرویز مشرف (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸)، سپری کرد. اما حتی زمانی که ژنرال‌ها مستقیماً در رأس کار نبودند، اغلب از طریق دستکاری در انتخابات، دولت‌های غیرنظامی را تحت کنترل خود می‌گرفتند. در واقع، انتخابات آزاد و عادلانه فقط سه بار در سال‌های ۱۹۷۰، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ در پاکستان برگزار شد و حتی در این دفعات نیز انتخابات آزاد فقط زمانی برگزار شده که ارتش معتقد بود،

تمایل دارد بزرگترین مشکلات منطقه را حل کند و از نظر ریاض این مسیر از مسئله فلسطین شروع می‌شود. رهبران سعودی کاملاً متعهد هستند که امنیت و ثبات در خاورمیانه برقرار شود و همکاری میان همه کشورهای منطقه حتی ایران شکل بگیرد. سعودی‌ها همچنین مشتاق احیای مسیر تجاری هستند که از اسرائیل می‌گذرد و عربستان سعودی را به هند، امارات متحده عربی، ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی مرتبط می‌کند. دهه‌ها پیش، سعودی‌ها از طریق شخص ثالث از اسرائیل خواستند که مانعی برای تحویل هواپیماهای F-۱۵ به پادشاهی ایجاد نکند. اولین محموله از این هواپیماها در سال ۱۹۸۱ وارد عربستان شد اما در سال ۱۹۸۳، یک گروه لابی مستقر در ایالات متحده به نام کمیته امور روابط عمومی آمریکا و اسرائیل که امروز با نام ایکب شناخته می‌شود با موفقیت برای جلوگیری از تحویل محموله دیگری از این هواپیماها به عربستان لابی کرد. در سال ۱۹۸۱، ریاض یک طرح صلح را برای حل مناقشه اعراب و اسرائیل آغاز کرد اما سه ماه بعد پس از اینکه این طرح از سوی اسرائیل و کشورهای عربی رد شد، آن را پس گرفت و تماس‌های مخفیانه، به‌ویژه در مورد مسائل امنیتی با اسرائیل، ادامه یافت. در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی، رابطه بین موساد و سازمان اطلاعات سعودی به ریاست شاهزاده ترکی بن فیصل تقویت شد. عربستان سعودی بر لزوم برقراری روابط دوستانه با همه کشورهای خاورمیانه از جمله اسرائیل تأکید کرد. اعتقاد عربستان این

# مسیر ناهموار عادی‌سازی روابط ریاض و تل‌آویو

## هم اسرائیل و هم عربستان به عادی‌سازی روابط علاقه دارند اما عجله‌ای هم برایش ندارند

این انتخابات در خدمت منافع آنهاست. به زبان ساده‌تر، ارتش پاکستان، فرد اول کشور را تعیین می‌کند.

برای مثال در سال ۱۹۸۵ احزاب سیاسی از شرکت در انتخابات منع شدند. سه سال بعد، ضیاءالحق به‌طور مرموزی در یک سانحه هوایی جان باخت. پس از آن ارتش پاکستان ائتلافی سیاسی به رهبری نواز شریف تشکیل داد که پس از حزب مردمی خلق به رهبری بی‌نظیر بوتو که نخست‌وزیر شد، در جایگاه دوم قرار گرفت. بوتو کمتر از دو سال بعد از سمت خود برکنار شد و با کمک ستاد کل ارتش، نواز شریف در انتخابات سال ۱۹۹۰ پیروز شد. با این حال، شریف که صرفاً به عنوان نماینده ارتش قانع نشد، با ژنرال‌ها اختلاف پیدا کرد و همین امر منجر به برکناری او شد. سه سال بعد، حزب مردم پاکستان در یک انتخابات دیگر تحت نظارت ارتش به قدرت بازگشت. دولت دوم حزب مردم طولانی‌تر از دولت اول بود، اما در نهایت در سال ۱۹۹۶ سرنگون شد و باعث شد که در سال ۱۹۹۷، حزب نواز شریف اکثریت دوسوم آرا را به دست آورد.

نواز شریف سعی کرده بود خود را از چارچوب اصلاحیه قانون اساسی که قدرت انحلال دولت‌ها را از رؤسای جمهور طرفدار نظامیان سلب می‌کرد، مصون نگه دارد. در بحبوحه تشدید تنش‌ها، ارتش بار دیگر در کودتای ۱۹۹۹ او را از قدرت برکنار کرد. رژیم جدید به رهبری پرویز مشرف، ۳۰ اصلاحیه قانون اساسی را با فرمانی ارائه کرد که اختیارات ریاست جمهوری را برای عزل دولت‌ها بزمی گرداند. مشرف سپس انتخابات مهندسی شده سال ۲۰۰۲ را برگزار کرد که در آن هر دو حزب اصلی به حاشیه رانده شدند و یک ائتلاف طرفدار نظامیان متشکل دولت را تشکیل داد. در اواخر سال ۲۰۰۷، مشرف که با اعتراضات مردمی مواجه بود،